

**بررسی اتوپبای توهمی و مدرن غربی در گفت‌وگوی «جوان» با محمد رضایی، مستندساز**

# نمایش رفاه در رسانه‌ها و پنهان کردن فساد از چشم‌ها

«اتوپبای مدرن غربی تنها در رسانه‌ها وجود دارد و حقیقت زندگی مردم کاملاً متفاوت است. آنچه رسانه‌ها و صنعت غرب درباره رفاه و سعادت مردم اروپایی نشان می‌دهند، صرفاً تصویری فریبنده و زیباست، در حالی که واقعیت زندگی مردم تحت سیطره نظام لیبرالی غرب، بسیار دشوار و پر تنش است. در رسانه‌ها و فیلم‌های هالیوودی، میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری می‌شود تا امریکای مدرن را ناجی جهان و مردم امریکا را بزرگ‌ترین، بهترین و خیر خواه‌ترین مردم نشان دهند. اما در عمل، زمانی که بحران‌هایی مانند کرونا رخ می‌دهد، فروشگاه‌ها خالی می‌شوند و سرفقت‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین در غرب اساساً فلسفه اخلاقی منسجم و سازمان‌یافته‌ای وجود ندارد؛ یعنی شما هویت اخلاقی – رفتاری منظم و قابل استنادی را در آنجا نمی‌بینید که بخواهید آن را با چیزی مقایسه کنید.»

■ ■ ■

مهدی رضایی، مستندساز و کارشناس ارشد سواد رسانه درباره مستند جدید خود با عنوان «جزیره اسپتین» در گفت‌وگو با «جوان» اظهار داشت: پس از جنایات عظیمی که دولت اسرائیل به عنوان فرزندخوانده دولت امریکا در سراسر جهان انجام داده، روشن شد جان انسان حتی جان زن برای این دولت‌ها هیچ اهمیتی ندارد. چه شما ایرانی باشید، چه عرب، چه امریکایی، در هر نقطه‌ای که باشید، آنها صرفاً به دنبال رسیدن به اهداف شوم و امیال شهوانی خود هستند. این کارشناس ارشد رسانه افزود: نمونه روشن این واقعیت، برخورد با کودکان اوکراینی است. اوکراین دشمن امریکا نیست و حتی یکی از نزدیک‌ترین متحدان این کشور محسوب می‌شود، اما آنچه انجام شد، نشان داد حتی جان دختران آواره برایشان اهمیتی ندارد. هوابما به هواپیما، دختر بیچه‌ها از مناطق جنگ‌زده اوکراین با نظر مستقیم رئیس‌جمهور فاسد این کشور منتقل و به جزیره اسپتین برده شدند. اسناد مربوط به این جزیره منتشر شده و نشان می‌دهد رئیس‌جمهور اوکراین یکی از پرورش‌یافتگان مکتب اسپتین بوده است. همه اینها نشان می‌دهد حتی حقوق بشر یک دختر اروپایی چشمه‌ای نیز برای این افراد اهمیتی ندارد و هرگونه رفتار مطابق با میل و نفسانیات خود را روا می‌دانند.

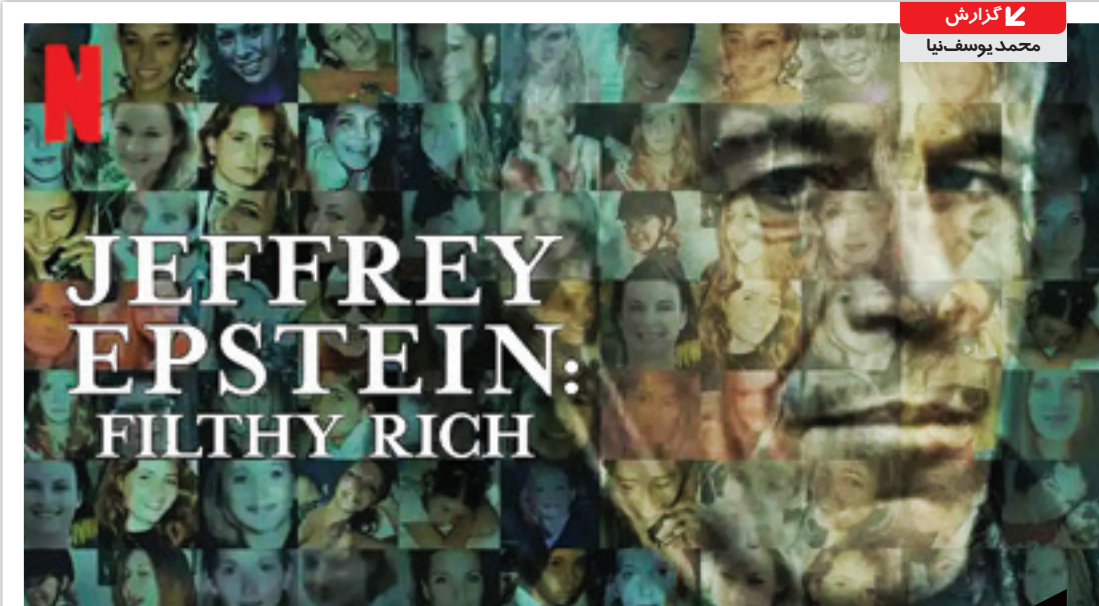
کارگردان مستند جزیره اسپتین گفت:در مورد «اتوپبای غربی» باید بگویم که چنین چیزی وجود ندارد. من در حال ساخت فیلمی با عنوان «انسان‌سازان» بودم که به سه خیرخواهی و روح نوع‌دوستی مردم ایران می‌پرداخت؛ مردمی که حاضرند تمام زندگی خود را برای دیگران فدا کنند. آنها اتوپبای خود را از مردم ایران می‌گیرند. در تمام جوامع غربی، اگر بخواهند مثالی از تاریخ و مردم ایران بیاورند، در بحران‌ها نمونه‌هایی از نوع‌دوستی ایرانیان را نشان می‌دهند. اما واقعیت این است که هیچ شهر آرامنی و هیچ مردم آرامنی در جامعه غربی وجود ندارد.

وی افزود: در رسانه‌های فیلم‌های هالیوودی، میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری می‌شود تا امریکای مدرن را ناجی جهان و مردم امریکا را بزرگ‌ترین، بهترین و خیر خواه‌ترین مردم نشان دهند. اما در عمل، زمانی که بحران‌هایی مانند کرونا رخ می‌دهد، فروشگاه‌ها خالی می‌شوند و سرفقت‌ها افزایش می‌یابد. در شرق، حتی در کشورهای جنگ‌دیده مثل افغانستان و عراق، مردم به چنین رفتارهایی متوسل نمی‌شوند. این نتیجه فرهنگ تمدنی است که ایرانیان از هزاران سال پیش با آن برخورد می‌کنند. رضایی ادامه داد: این نشان‌دهنده تخریب اتوپبای مدرن غربی نیست، بلکه آنها هرگز اتوپبای واقعی نداشته‌اند. این نظام به عنوان «یهودیت مدرن»، بردگی شیطان‌آمیده می‌شود که هدف آن صرفاً افزایش سیطره و قدرت از طریق تقویت آیین‌هایی است که اصل دین یهود را از بین ببرد.اند.

وی بیان کرد: برای دستیابی به نهایت قدرت در نظم جهانی، فعلی، علاوه بر سرمایه‌گذاری مالی قوی، این نظام بر آیین‌های قربانی متمرکز است. از جمله کشتن یک انسان متولد شده زیر یک سال و خوردن از خون او برای کسب کرامت‌های ویژه. تأکید می‌شود که این موضوع بر اساس اسنادی است که وزارت دادگستری

گزارش

محمد یوسفیا



Close ups

نمای نزدیک

**تغییرات اساسی در مسیحیت پس از آگوستین قدیس و ورود قوانین کذب‌ی، این دین را دگرگون ساخت و یهودیت مدرن نیز به همین سببست رفت. مار تین لوتر و مذهب پروتستان که خود از تباط گسترده‌ای با یهودیان داشت، این روند را تقویت کرد. پیروان این سیستم در ظاهر مسیحی و در باطن شیطان‌ی هستند. تلاش اصلی این جریان در یهودیت مدرن، پرورش قدرت برای اتصال به «شیطان عظیم» است**

امریکا منتشر کرده است.

■ **غرب چیزی جز یهودیت مدرن نیست**

رضایی گفت: فلسفه حکومت‌های غربی بر این پایه استوار است که فساد تا حد نهایی نرسد، فرد نمی‌تواند قدرتمند شود. غرب چیزی جز یهودیت مدرن نیست، بازرغم پوشش ظاهری مسیحیت.

کارگردان مستند جزیره اسپتین تصریح کرد:تغییرات اساسی در مسیحیت پس از آگوستین قدیس و ورود قوانین کذب‌ی، این دین را دگرگون ساخت و یهودیت مدرن نیز به همین سبب رفت. مار تین لوتر و مذهب پروتستان که خود از تباط گسترده‌ای با یهودیان داشت، این روند را تقویت کرد. پیروان این سیستم در ظاهر مسیحی و در باطن شیطان‌ی هستند. تلاش اصلی این جریان در یهودیت مدرن، پرورش قدرت برای اتصال به «شیطان عظیم» است. این اقدامات (تظیر آنچه در فلسطین یا جزایر اسپتین مشاهده شد) برای حفظ آیین کثیف شیطان‌پرستی و کشتار آنها بلند نمی‌شود. کارگردان مستند جزیره اسپتین اظهار داشت: به همین دلیل، من فروپاشی واقعی تمدن غرب را در کم‌ی‌کم، اما بحران‌مشرور و عیت آنها به علت قدرت رسانه‌ای که در دست‌شان است، آشکار نمی‌شود.

وی گفت: در غرب اساساً فلسفه اخلاقی منسجم و سازمان‌یافته‌ای وجود ندارد؛ یعنی شما هویت اخلاقی رفتاری منظم و قابل استناد را در آنجا نمی‌بینید که بخواهید آن را با چیزی مقایسه کنید. اما درباره پرونده اسپتین، واضح است که فساد اخلاقی در هر قدم که در جزیره حضور داشتند، رخ داده است.

وی تصریح کرد: نظام مدرن یهودی، برخلاف باور واقعی ادیان ابراهیمی و تعالیم حضرت موسی (ع)، نظامی است که نزدیک ۲هزارسال قدمت دارد و آن را رها نکرده‌اند. این نظام به عنوان «یهودیت مدرن»، بردگی شیطان‌آمیده می‌شود که هدف آن صرفاً افزایش سیطره و قدرت از طریق تقویت آیین‌هایی است که اصل دین یهود را از بین ببرد.اند.

وی بیان کرد: برای دستیابی به نهایت قدرت در نظم جهانی، فعلی، علاوه بر سرمایه‌گذاری مالی قوی، این نظام بر آیین‌های قربانی متمرکز است. از جمله کشتن یک انسان متولد شده زیر یک سال و خوردن از خون او برای کسب کرامت‌های ویژه. تأکید می‌شود که این موضوع بر اساس اسنادی است که وزارت دادگستری

انگلیس به عنوان «جنات‌دهنده» در نگاه برخی روشنفکران و نخبگان ایرانی معرفی می‌شود، افزود: در حالی که نخبگان ایرانی حتی حاضر نیستند به یاد سالگرد آن فجایع احترام بگذارند یا حزن و تأثر خود را بیان کنند. این سکوت در حالی است که مردم ایران در اثر همان سیاست‌ها به شدت آسیب دیدند، تاجایی که گزارش‌هایی وجود دارد که مردم از شدت گرسنگی به خوردن گوشت اموات متوسل شدند.

رضایی با انتقاد از نگاه منفعت‌طلبانه نخبگان امروز ادامه داد: در پرونده‌هایی مانند اسپتین، نخبگان ایرانی با سکوت مطلق خود جنایات غرب را نادیده می‌گیرند و حتی یک واکنش کوچک نشان نمی‌دهند. اما اگر یک فساد اخلاقی، حتی ساده، از یک شخصیت ایرانی رخ دهد، رسانه‌ها و نخبگان آن را بزرگ‌نمایی می‌کنند؛ چنان که گویی دنیا بر سر مردم ایران خراب شده است. وی در توضیح دلیل این رفتار گفت: دلیل این رفتار روشن است منفعت‌طلبی و نیاز به جلب توجه مخاطب. مخاطب خارجی با تخریب اسلام و جمهوری اسلامی، لذت می‌برد و رسانه‌ها از این استقبال بهره می‌برند. اما وقتی از فسادهای گسترده و جنایات غربی‌ها، حتی از افرادی که به ظاهر «چشم‌آبی» و الگو معرفی می‌شوند، صحبت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که

صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که

صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که

صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که صحت می‌کنیم، مخاطب نمی‌پذیرد و واکنش چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا رسانه‌های هالیوودی و غربی آنها را به عنوان الگو ساخته و معرفی کرده‌اند. کارگردان مستند جزیره اسپتین افزود: بنابراین، این سکوت و برخورد دوگانه نخبگان ایرانی را نمی‌توان غفلت نامید؛ این منفعت‌طلبی در فساد عظیم است، حتی زمانی که

در ششمین دوره «جام باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان» اتفاق می‌افتد

## پیوند فرهنگ رضوی با جریان ملی ترویج کتابخوانی در دهه کرامت

ششمین دوره «جام باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان» نمود یافته است. این دوره با شعار «بیدهدات را با کتاب بساز» و با هدف تقویت مهارت‌های گفت‌وگو، تفکر انتقادی و افزایش سرنانه مطالعه در میان کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. امسال برای نخستین‌بار، کتاب‌های مرتبط با فرهنگ رضوی با همکاری بنیاد بین‌المللی امام (رضاع) در فهرست رسمی آثار منتخب‌این رویداد قرار گرفته است. در فهرست جدید کتاب‌های این دوره، آثار متنوعی متناسب با گروه‌های سنی مختلف دیده می‌شود که علاوه بر موضوعاتی همچون هویت ملی، محیط‌زیست، خانواده و مهارت‌های اجتماعی، با محور «فرهنگ رضوی» نیز غنی شده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به «بهشت بیچه» اثر منیره‌سادات هاشمی (گروه سنی هفت تا ۹ سال)، «شنای غریب» نوشته

مهدی محدثی (۱۰ تا ۱۲ سال) و «جزیره گمشده من» اثر مظفر سالاری (۱۶ تا ۱۷ سال) اشاره کرد. در کنار این آثار، کتاب‌های چون «سپر اقیانوس»، «کرمی که عقاب را نجات داد»، «دو گیلان»، «نامه‌های گاندو»، «قصه سسنگو و ششوپانه»، «کلبوس‌های خنده‌دار»، «فوتبال در فصل شکار»، «جزیره» و «هستی» نیز بخش اصلی بدنه محتوایی این دوره را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده نگاه جامع به تربیت‌فکری نسل آینده هستند. این سیاست‌گذاری نشان می‌دهد تمرکز تنها بر توسعه کمی در حوزه کتابخوانی نیست، بلکه «جهت‌دهی محتوایی» نیز در دستور کار قرار گرفته است. ورود کتاب‌های فرهنگ رضوی بخشی از تلاش برای پیوند میان زیست فرهنگی نسل کودک و نوجوان و الگوهای دینی و هویتی محسوب می‌شود.

تلوویزیون

### «من ایرانم» در قاب سیما

تلاش رسانه ملی برای انسجام ملی در روزهای جنگ تحمیلی رمضان

«من ایرانم» با اجرای قابل قبول محمدرضا شهیدی‌فرد از شبکه نسیم توانسته است جای خود را میان برنامه‌های تحلیلی باز کند و با مخاطبانی که نیازمند آرامش، شفافیت و تحلیل‌اند ارتباطی مؤثر بسازد. این برنامه با ساختاری سنجیده و دخالت‌های به موقع مجری در سر و شکل دادن به مسیر بحث، تلاش دارد تا نقش رسانه را از سطح تاریخ مصرف گذشته اطلاع‌رسانی صرف به سطح روشنگری مسئولانه و مطابق با تراز توعریف از رسانه ارتقا دهد؛ اقدامی که با توجه به بازخورد مخاطبان نسبت به آن به نظر می‌رسد تا حدود زیادی قریب به منظور است.

همزمان با آغاز سال ۱۴۰۵ و در جریان ضرورت شرایط حساس ناشی از حملات رژیم صهیونیستی و امریکا علیه کشورمان ایران، برنامه گفت‌وگومحور «من ایرانم» با اجرای محمدرضا شهیدی‌فرد از شبکه نسیم روی آنتن رفت؛ برنامه‌ای تحلیلی، گفت‌وگومحور و آرامش‌بخش که با اتکا به ساختاری متفاوت، میهمانانی صاحب‌نظر و بیان صریح اما امیدآفرین، تلاش دارد فهم عمومی را ارتقا دهد، جنگ روانی را تبیین و زمینه انسجام اجتماعی را در روزهای پر تنش فراهم کند.

ورود «من ایرانم» به کندانکتور شبکه نسیم آغازگر فصل تازه‌ای در مواجهه رسانه ملی با شرایط ویژه کشور است؛ شرایطی که در آن جامعه با پرسش‌های پر تعداد، نگرانی‌های طبیعی و حتمی بی‌سابقه‌ای از پیام‌های هیجانی روبه‌روست. این برنامه با ساختاری سنجیده، لحنی متین و هدایت دقیق شهیدی‌فرد، کوشیده است نقش رسانه را از سطح اطلاع‌رسانی صرف به سطح روشنگری مسئولانه ارتقا دهد؛ امری که در روزهای کنونی بیش از همیشه اهمیت دارد.

■ **رویکرد تازه در برنامه‌سازی**

«من ایرانم» برخلاف قالب‌های معمول گفت‌وگومحور، نه بر مجادله استوار است و نه بر شعار؛ بلکه بر تحلیل، آرامش و تبیین دقیق استوار شده است. این برنامه خود را متعهد می‌داند که هیجانات جمعی را مدیریت، زاویه دید مخاطب را گسترده‌تر کند و در میان سیل روایت‌های نادقیق، تصویری قابل اعتماد از واقعیت‌های پیرامونی ارائه دهد. ساختار برنامه، ترکیبی از میز گفت‌وگو، تحلیل‌های کوتاه، روایت‌های مستندگونه و خط روایت منسجم. بستری فراهم کرده است تا مخاطب علاوه بر شنونده بودن، همراه گفت‌وگو نیز باشد؛ همراهی که احساس می‌کند صدغه‌ها و پرسش‌هایش دیده می‌شود.

■ **اجرای قابل قبول مجری**

بازگشت شهیدی‌فرد در قالب یک برنامه ملی با محوریت آرامش‌بخشی و تحلیل، نقطه اتکای مهم «من ایرانم» است. او زرف‌ت هدایت می‌کند و این همان مهارتی است که برنامه را از ویژگی‌های فردی خود را از جمله آرامش کلام، قدرت مدیریت



بحث، توان شنیدن و چیدمان منطقی پرسش‌ها، در خدمت هدف برنامه قرار دهد. در هر قسمت با ایجاد فضایی محترمانه و عقلانی، مسیر گفت‌وگو را از سطح برداشت‌های خام به لایه‌های ژرف‌تر هدایت می‌کند و این همان مهارتی است که برنامه را از یک گفت‌وگوی تلویزیونی معمولی فراتر می‌برد.

■ **میهمانان از جنس تحلیل، تخصص و اوقات**

یکی از امتیازهای مهم «من ایرانم» انتخاب میهمانانی است که صاحب‌نظرند و توان بیان روشن، مستدل و قابل‌فهم برای عموم مردم را دارند. حضور کارشناسان و چهره‌های شناخته شده، برنامه را از یک بحثی بودن دور کرده و بر طیف وسیعی از نیازهای جامعه تمرکز داده است. ترکیب باعث شده برنامه هر شب زاویه‌ای تازه را از سطح بحث‌های روزانه جدا نگه‌ارد.

■ **توجه جدی به سواد رسانه‌ای و مدیریت هیجانات جامعه**

در فضایی که پیام‌های هیجان‌زا، اخبار تأییدنشده و تصویرسازی‌های مخرب در شبکه‌های غیر رسمی فراوان است، «من ایرانم» تلاش کرده است مسیر دیگری پیشنهاد دهد: مسیر فهمیدن پیش‌از واکنش نشان دادن. برنامه همواره می‌کوشد منشأ بسیاری از شایعات را روشن کند، نحوه فعالیت اتاق‌های عملیات رسانه‌ای را تبیین کند، سازوکار تولید اضطراب و نگرانی را توضیح و روش‌های مواجهه سالم با حجم اطلاعات را آموزش دهد. این بخش از برنامه ویژه‌برای خانواده‌ها و جوانان اهمیت ویژه دارد.

■ **امیدبخشی عقلانی**

فضای کلی برنامه آگاهانه بر امید بنا شده است؛ امیدی از جنس آگاهی، تحلیل و چشم‌انداز روشن، نه امیدسازی سطحی. در هر قسمت، شهیدی‌فرد و میهمان برنامه با ذکر نمونه‌های واقعی از تاب‌آوری اجتماعی، توان ملی، همبستگی مردم و کارهای در حال انجام، تلاش می‌کنند چشم مخاطب را به تصویر بزرگ‌تر باز کنند. این تصویر بزرگ همان چیزی است که در روزهای بحرانی، به مردم توان ادامه‌دادن می‌دهد.

■ **هم افزایی بین رسانه ملی و اوج**

تولید برنامه‌ای با این سطح از حساسیت و اهمیت بدون مشارکت رسانه ملی و پشتیبانی سازمان هنری، رسانه‌ای اوج میسر نبود. رسانه ملی با تعریف این برنامه در نقطه‌ای کلیدی از کندانکتور و فراهم کردن بست‌های فنی، نشان داده در لحظه‌های خطیر، نقش خود را از سطح پیش‌کننده به سطح جهت‌دهنده آرامش عمومی ارتقا داده است. در کنار آن، تیم سازنده با طراحی ساختار متفاوت، انتخاب موضوعات دقیق و ایجاد فضایی بصری ساده، اما حرفه‌ای، امکان ارائه برنامه‌ای جدی و قابل اعتماد را فراهم کرده‌اند.

«من ایرانم» در نخستین روزهای سال ۱۴۰۵ توانسته است جای خود را میان برنامه‌های تحلیلی باز کند و با مخاطبانی که نیازمند آرامش، شفافیت و تحلیل‌اند ارتباطی صمیمی و مؤثر بسازد. این برنامه نه‌به‌دنبال هیجان که در پی تعادل‌بخشی به هیجانات جمعی به‌دنبال ترسیم جهت‌دیک به‌دنبال تقویت انسجام و امید اجتماعی است. در روزهایی که پرسش‌ها بیش از پاسخ‌هاست، چنین برنامه‌ای نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است.